

گزارش فشرده همایش دانشگاهی در دانشگاه برکبیک لندن:

شکلگیری هویت، ناسیونالیسم و دولت سازی در افغانستان

و آسیای مرکزی

۸ فبروری ۲۰۱۴



تهیه و ترتیب از دکتر کریم عاطفی



مقدمه

شکلگیری هویت سیاسی، ناسیونالیسم و دولت سازی در تاجیکستان، ازبکستان و افغانستان بحث یک کنفرانس علمی به میزبانی کانون مطالعات و پژوهش های خراسان در لندن بود که در دانشگاه برکبیک لندن در هشتم فیروزی سالروان برگزار شد. دانش آموختگان و علاقمندان مسایل علوم سیاسی فرهنگی و جمعی از جامعه مهاجر این سه کشور آسیای مرکزی، در آستانه خروج نیرو های جهانی از افغانستان و نگرانی های افزاینده نسبت به پسمنظر ثبات و تداوم دولت سازی و ثبات کل منطقه، در بین گردهمایی اشتراک کردند تا مسایل و نگرانی های شانرا در رابطه به موضوع کنفرانس به بحث بگیرند. این در شرایطی است که در افغانستان چگونگی ترکیب قومی-هویتی دولت آینده و گروه های نامزد برای انتخابات قریب الوقوع ریاست جمهوری و صف بندی های رای دهندگان همواره از موضوعات داغ بحث رسانه یی در این اواخر بوده است. از مسایل مرتبط دیگر نقش قابل بحث و مداخله قدرت های فرامنطقه یی کنونی و ابرقدرت های استعماری قرن نوزده در شکلگیری ترکیبات سیاسی-جغرافیایی کشور های منطقه بشمول ناسیونالیسم سیاسی این کشورهاست که همواره مورد آگاهی نقادانه افشار مختلف در شبکه های اجتماعی در سال های اخیر قرار میگرفته است. مداخله که بطور سنتی با چرخیدن دور محور منافع قدرت ها اغلب به ظرافت های بافت فرهنگی و قومی این سرزمین ها کمتر توجه داشته است و نتایجش هنوز هم با دغدغه های موجود سیاسی-امنیتی مردمان این کشور ها دست و پنجه نرم میکند



از راست به چپ: محترم عبدالعلی فایق، پروفسور عبدالخالق لعلزاد و دکتر دگیخدا دگییوف حین برنامه ریزی و مدیریت کنفرانس

پیشزمینه

"آینده آسیای میانه را نمیتوان بدون نگاه شایسته به توانایی های همیش که در گذشته عیان بوده رقم زد" نقل قولی از کتاب "روشنفکری گمشده" فریدریک استار مورخ و مستشرق معروف غربی بود که در اظهارات افتتاحیه دکتر کریم عاطفی از کانون مطالعات و پژوهش های خراسان به آن اشاره شد، که این نقل قول انعکاسی از نگرانی سایرین در جامعه مهاجر این کشور ها و اقشار مختلفه می باشد که از وضعیت موجوده سیاسی منطقه بدلائل ناهمگونی با غنای گذشته شان ناراضی به نظر میرسند: مثال های دیگر عوامل نارضایتی شاید طیفی از حالات را احتوا کنند، از جمله، بطور مثال، رفتار دستگاه های امنیتی پاکستان و توجیه اعمال و مداخلات ایشان در زیر عنوان و ادعای عمق استراتژیک بودن سرزمین افغانستان، و یا ادامه حکومت استبدادی و خودکامه اسلام کریموف در ازبکستان و یا نگرانی های افزایشنده از گسترش نفوذ افراطیون مذهبی که در حال قدرت گرفتن در بخش های از این منطقه اند.

در ادامه این روند تناقضی حالت موجوده با توانایی های تاریخی آسیای مرکزی، فریدریک استار در کتاب "روشنفکری گمشده" توضیح میدهد که چگونه منطقه آسیای مرکزی و افغانستان یا خراسان از سال های هشتصد الی یکهزار و دوصد عیسوی پایتخت جهان در بخش های تجارت توسعه اقتصادی، پیچیدگی و پیشرفت هنر، شهرسازی، ریاضیات، نجوم، زمینی شناسی، طب، کیمیا، موسیقی، علوم اجتماعی، فلسفه و کلام عرض وجود کرده بود.



دکتر کریم عاطفی حین سخنرانی افتتاحیه کنفرانس

درست در بطن این پیشرفت در آسیای مرکزی مفهوم و تفسیر دین و الهیات نیز تکامل اعتدالی را توانست حاصل کند و مکتب عرفان اسلامی با تأثیر عالمگیر امروزینش در این دوره پا به عرصه وجود و شگوفایی نهاد که به تفسیر دینی آن عنصر مهم تأکید عشق به انسانیت را تکامل بخشید که آفریده های شخصیت های این تمدن چون مولانای بلخی-رومی، سنایی غزنوی، عطارنیشاپوری و دیگران با چنین مشخصه های توانستند امروزه مرز های عقاید و فرهنگ ها به سرعت گذشته مورد پذیرش جوامع مختلفه انسانی در اکناف جهان قرار گیرند. طرفداران و پیروان این مکتب معتدل دینی شاید اکثریت مطلق اهالی منطقه به شمول افغانستان را تشکیل بدهند لیکن نسبت مشخصه های اعتدالی و صلح پسند شان این اکثریت خاموش نسبت به اقلیت های تندرو و افراطی مذهبی خیلی کمتر مولد سرو صدا های سیاسی و امنیتی هستند که نتیجه اش آنست که افراطیون خشن تر بیشتر خیرساز میمانند و تأثیر گذار



محترم نامزد دکترا زلمی نشاط حین مرور پیشزمینه های کنفرانس

استفاده نظام مند از قدرت مطلقه دولت و اعمال فشار سیاسی حتی در طول قرن بیستم برای گسترش هویت قومی حکومت و ناسیونالیزم قوم محور در افغانستان توسط نخبگان حاکم قبیله محمدزایی افغان همزمان با کم اهمیت ساختن هدفمند هویت معروف غیرنژادی خراسانیان و منطقه خراسان، و انکار حقوق انتخاب توده های جامعه در نگهداشت هویت غیر قومی که بالنوبه زمینه ساز قوم محوری های واکنشی مسایلی بود که توسط کاندید دکترا زلمی نشاط از دانشگاه ایسکس بریتانیا مورد بحث قرار گرفت. جناب نشاط بحیث گرداننده این کنفرانس بر علاوه بر مسایل مهم و تحولات سیاسی را که منطقه افغانستان و کشور های آسیای مرکزی در چند دهه اخیر تجربه کرده اند مورد ارزیابی گذرا قرار دادند.



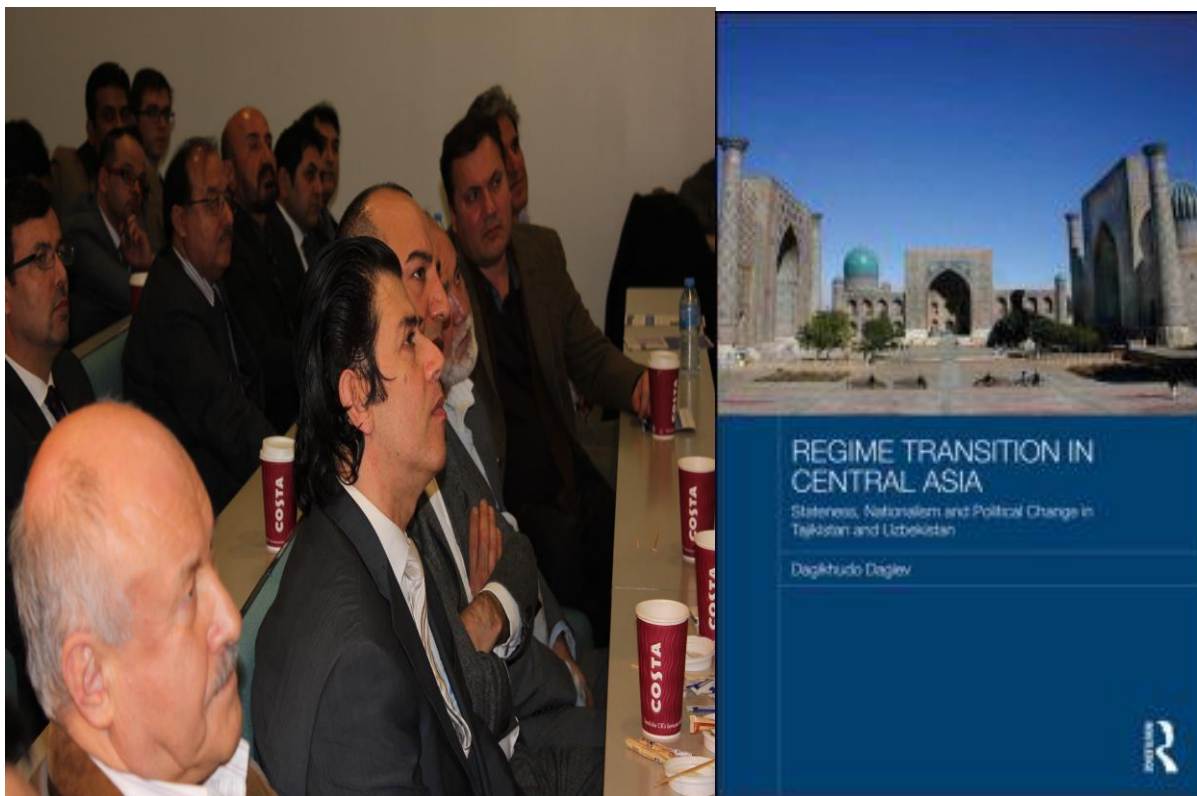
گزار سیاسی در تاجکستان و ازبکستان، دولت- ملت و ناسیونالیزم

"گزار سیاسی در تاجکستان و ازبکستان، ستیتنس یا دولت – ملت و ناسیونالیزم" عنوان این بخش سخنرانی توسط دکتر دگیخدا دگیوف را تشکیل میداد که این سخنرانی موصوف بخشی از دفاعیه دکترای موصوف را احتوا میکرد. ایشان اهل کشور تاجکستان اند و محقق علوم سیاسی اجتماعی آسیای مرکزی موعظف در انستیتوت مطالعات اسمعیلی لندن هستند که کار های پژوهشی را در بخش مسایل هویت، قومیت و ناسیونالیزم انجام میدهند. گزارش دفاعیه ایشان زیر عنوان "گزار سیاسی در آسیای مرکزی، دولت – ملت و ناسیونالیزم" در این تازگی ها زیور چاپ و نشر با صحافی عالی از طرف موسسه روتلز در اروپا یافته است که در دسترس علاقمندان قرار دارد. مراجع شود به پایان این گزارش برای دریافت رابط انترنتی به کاپی آنلاین کتاب مذکور و به صفحه بعد برای تصویر کتاب.



مسایل ناسیونالیزم و دولت- ملت در چهارچوب حدود موجوده کشور های تازه استقلال یافته تاجیکستان و ازبکستان منحيث یک مانعه در روند مردمسالاری تبدیل شده است. مفهوم دولت- ملت در اینجا رابطه اتفاقی بین قلمرو تسلط حکومت کشور معین با فرهنگ و هویت ملت های ساکن در آن جغرافیای معین است. پژوهش های دکتر دگیوف نشان میدهد که مشکل دولت- ملت وقتی در جوامع کثیرالمله ظاهر میشود که سیاستمداران و تمامیتخواهان تلاش





صحنه‌یی از توجه فرهیختگان به بحث کنفرانس

کتاب نشر یافته دکتر دگییوف

برای تعمیم و تحمیل هویت و فرهنگ قوم مسلط بر دیگران میکنند. این تلاش برای تطبیق سیاست های همسان سازی در بخش های تحصیلی، نظامی، حکومتداری و فرهنگی هویتی و خورد ساختن دیگر هویت ها زمینه اصطکاکات و تنشجات ملی-فرهنگی ساخته دولت را در جامعه بوجود میاورد و تهدیدی میشود برای همزیستی در غنای چندگانگی فرهنگی هویتی.

شواهد نشان میدهد که مسایل دولت-ملت و ظهور ناسیونالیزم درین دو کشور خیلی بهم بافته و گره خورده اند ولی بعد از استقلال از اتحاد شوروی در دو کشور دو هر دو مسأله دو مسیر مختلفه گزار سیاسی را میگذرانند. ملیت تاجک به قرار افاده های که توسط نخبگان تاجک ارائه میشود هویت خود را زیادتیر در بعد فرهنگی تاریخی می بینند که در قلمرو های دسترفته شان را نیز احتوا میکرده است. چنانکه دانشمندان منطقه یی، روسی و غربی به این عقیده اند که تاجکها بازنده اصلی قلمرو و جغرافیای فرهنگی خود هستند، بدین لحاظ است که ابعاد سرزمین فرهنگی در تعریف هویت تاجکی نقش مهمی را دارا است همان قسم که تمایلاتی هم در بازگردان مشخصه های هویتی فرهنگی این سرزمین ها نیز کماکان وجود دارد. در مثال ازبکستان اگرچه تعریف ناسیونالیزم به اضافه عنصر قومیت از یک زیادتیر شکل حفظ و محافظت از قلمرو فعلی را دارد تا ریشه داشتن در کدام قلمرو تاریخی. این برنده و بازنده بودن ارضی دوکشور تأثیر خود را در نحوه انتخاب خطوط ناسیونالیزم بطور جداگانه یی داشته است. برای مطالعه جزئیات بیشتر مسایل ناسونالیزم و دولت-ملت مراجعه شود به کتاب مذکور که لینکش در پایان این گزارش گذاشته شده است.

قومیت و ناسیونالیزم در افغانستان بعد از طالبان

"قومیت و ناسیونالیزم در افغانستان بعد از طالبان" موضوع جلسه بعدی توسط آقای اسدالله شفایی، پژوهشگر مسایل سیاسی اجتماعی منطقه ساکن در لندن، به بحث و بررسی گرفته شد. کار های تحقیقاتی آقای شفایی را مطالعه مرسوم شدن عرف سیاسی کنسوسیشنالیزم یا تقسیم قدرت به نمایندگی قومیت بر بنیاد موافقتنامه بن تشکیل میداد. ایشان با برشمردن مزایا و کاستی های این شیوه از جمله نخبه گرایی را نیز به بحث و تحلیل گرفتند. از مسایل دیگرکه مورد بحث قرار گرفت مزایا این مودل اشتراک در قدرت و مقایسه آن با مودل سنتی حکومت با اتکا به قوه قهریه در افغانستان بود. با وجودیکه موفقیت مودل تقسیم قدرت رابطه مستقیم با توانایی نخبگان در نمایندگی از منافع اقوام دارد، طرفداران این مودل را حلال مشکل قدرت در جوامع چندپارچه میدانند چون کشور ها میتوانند که در صورت اشتراک همه گروه ها زمینه ثبات نسبی را در جامعه مساعد کند. نمونه های موفقتر این طرز نظام سیاسی کشور های افریقای جنوبی، هالند، سوئیس، لبنان و ایرلند شمالی اند. کاستی های شناخته ده این روش حکومت که توسط مخالفان عنوان میشوند عبارتند از: تخمین بیش از حد توانایی نخبگان در حل مسایل کشور و حکومت، درشت و بارز ساختن خطوط اختلافات ملیتی و قومی چون به هر صورت این اختلافات خود زمینه کارایی و تأمین منفعت یکتعداد نخبگان را تأمین میکند. مثال های ناکام این مودل تقسیم قدرت کشور های نایجریا و قبرس اند.



چالش‌ها در تعیین دقیق موقعیت بخش‌های قومی و مذهبی افغانستان در پارادایم سیاسی فعلی تقسیم قدرت و ناسیونالیسم قوم‌محور در یک پس‌زمینه نبود اطلاعات معتبر آماری، یا ابهام استراتژیک آماری که شاید توسط حکومت‌های پشتون‌محور به‌دفعه تطویل عمر پندارهای مسلط خواهانه پیشین قومی پیش برده می‌شده، خود زمینه‌ساز بیشتر پیچیدگی‌های سیاسی گردیده است. برعلاوه راهکارهای حکومت‌ها به تدریج تأثیر منفی بر جوء اعتماد سیاسی بین-قومی در داخل حکومت و بین حکومت‌ها و اپوزیسیون‌ها گذارده است. ادامه این وضعیت بالنوبه زمینه‌ساز جرات یافتن بیشتر نخبگان غیرپشتون با توصل به ابزار مقاومت گرم در برهه‌های معین تاریخ معاصر افغانستان، وسیله افاده آرمان‌های عدالت‌خواهانه و به چالش کشیدن قدرت مطلقه قومی و بحران‌های ناخواسته‌ی حاصله از آن شده است.

شناخت خوبتر مسایل افغانستان را جهانی شدن مشکلات افغانستان در پی داشته است، بطور مثال در بین حلقات شرق‌شناس دنیا از جمله توماس بارفیلد مستشرق معروف یکی از دلایل پشتیبانی ساکنین پشتون از طالبان را، برعلاوه دلایل دینی، آرزوی بدست آوردن موقف از دست‌رفته سنتی و برتری قومی شان و راه تأمین زیردستی بر دیگر اقوام میدانند که حس عمیق دل‌واپسی و نسالژی فعالانه در بین پشتونها درین رابطه هنوز وجود دارد. شناخت این بعد گرایش‌های قومی مذهبی طالبان باعث شده که موقف اقوام و نخبگان غیرپشتون در برابر طالبان سختگیرانه تر شود. این سختگیری همواره مناقشات پراحساسی را در مجالس و مجامع سیاسی و رسانه‌یی افغانستان به ویژه در اعتراض به سیاست‌های انعطاف و گذشت رهبری حکومت در برابر طالبان دامن زده است که ساختار شکننده‌ی تقسیم قدرت را همواره به چالش‌ها و نگرانی‌های جدید کشانده است.

رابط انترنتی کتاب "گزار سیاسی در آسیای میانه، دولت – ملت و ناسیونالیسم":

http://www.routledgejournal.com/books/search/author/dagikhudo_dagiev/

برای دیدن تصویر جمعی لطفن به صفحه بعد مراجعه کنید.





در جلسه پرسش و پاسخ در رابطه به بحث ها و سوالات اشتراک کنندگان هیأت رییس کنفرانس نظریات خود را ارائه کردند.

پایان